

نسل‌کشی و کشتار سیاسی

نوشته: Barbara Hartl از آکادمی دریائی ایالات متحده، آنابولیس Ted Robert Gurr از دانشکده کلورادو، بولدر

کشتار هولناک و بی‌رحمانه کردها و شیعیان مبارز، در عراق، انگیزه چاپ مقاله‌ای است که در آن مسئله نسل‌کشی و کشتار سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم مورد بررسی و تحلیل علمی قرار گرفته است. توجه خوانندگان عزیز به این نکته جلب می‌شود که این مقاله پیش از فاجعه حلبچه به رشته تحریر در آمده لذا آمار و ارقام مربوط به تلفات این حادثه و نیز سرکوب عظیم مردم عراق در ماههای اخیر در بررسی‌ها منظور نگردیده است.

لحاظ تحلیلی از هم متمایزند ولی هدف هر دو نابودی فیزیکی کلی یا جزئی گروه‌های مشخص نژادی و سیاسی است. محققین در مورد وجوه تمایز تحلیلی چنین حوادثی با هم اختلاف نظر دارند. اغلب کسانی که به مطالعه تطبیقی «ژنوسید» پرداخته‌اند بر وجود ارتباط میان قتل‌عام‌های توده‌ای (Mass Slaughterers) یا کشتارهای جمعی سازمان یافته (Pogroms) با ژنوسید اتفاق نظر دارند.

«کوبر» (Kuper)، «فین» (Fein) و «هورویتز» (Horowitz) این قبیل جریان‌ها را شرارت‌های مرتبط با هم، قتل‌عام‌های ایدئولوژیک، یا صرفاً ژنوسید نامیده‌اند. با آنکه آثار محققین مزبور در دسترس می‌باشد، به دو دلیل تلاش دیگری برای روشن‌سازی ژنوسید و پلی‌تیسید احساس می‌شود: اولاً، هیچ‌گونه تحقیق جامع و منظمی درباره چنین وقایعی صورت نگرفته است. ثانیاً، در این مورد که چرا این قبیل جریان‌ها وحشتناک در طول زمان و در نظام‌های سیاسی مختلف بطور مکرر رخ می‌دهد هیچ‌گونه توضیح کلی آزمون شده‌ای وجود ندارد.

توضیحات موجود بر عوامل و متغیرهای مختلفی تأکید دارد. در تعبیر و تفسیرهای سیاسی بر مظاهر مختلف نقش دولت و اهداف مرتکبین این اعمال، از جمله لزوم تحکیم قدرت دولت پس از تغییرات بزرگ سیاسی یا واکنش به دگراندیشان انگشت گذاشته می‌شود. توضیحات فرهنگی معطوف به شرایطی است که در آن نابرابری‌های دیرپای محلی به اندازه‌ای تشدید می‌شود که یک گروه غالباً با بهره‌گیری از قدرت دولتی یا قبضه کردن آن درصدد حذف مخالفان بر می‌آید. برخی از پژوهشگران نقش ایدئولوژی را به ویژه در آن دسته از نظام‌های انحصارطلب که حق عده‌ای از افراد برای داشتن زندگی محترمانه انکار می‌شود، یک عامل مهم به حساب می‌آورند. سایرین به اهمیت ستیز اقتصادی و عوامل بین‌المللی، در تشدید یا جلوگیری از ژنوسید توجه دارند. اما بدون اطلاعات منظم در مورد بهینه‌ای جریان‌ها، حداقل در محدوده قرن بیستم، نمی‌توان اهمیت نسبی اینگونه شرایط را ارزیابی کرد یا تئوری‌های متقاعد کننده‌ای با چند متغیر در مورد این پدیده ارائه نمود.

بعلاوه هنوز در مورد وجوه تمایز ژنوسید و پلی‌تیسید از اقدامات سرکوبگرانه «عادی» ابهاماتی وجود دارد. در چهارچوب جنگ، کشتن جنگجویان امری «عادی» است، در حالی که کشتار گسترده شهروندان غیرنظامی چنین نیست. یکی از کلیدهای تشخیص نظری و عملی ژنوسید و پلی‌تیسید در همین جا نهفته است: اگر شهروندان غیر مسلح عمداً و به طور

توضیح:

■ ژنوسید Genocide = نسل‌کشی، کشتار نسل‌ها، تشویق یا اجرای سیاست‌هایی از سوی یک دولت یا عمال آن که به مرگ بخش قابل توجهی از اعضای یک گروه محلی، نژادی، مذهبی یا ملی منجر گردد.

■ پلی‌تیسید Politicide = کشتار سیاسی، کشتار جمعی بخاطر مواضع سیاسی، تشویق یا اجرای سیاست‌هایی از سوی یک دولت یا عمال آن که به مرگ قابل توجهی از اعضای یک گروه سیاسی منجر گردد.

□ نوشته حاضر گزارشی است از یک بررسی جهانی درباره موارد سرکوب عظیم دولتی از جنگ جهانی دوم به این سو. بهینه تحلیل رویدادهای مستمری را در بر می‌گیرد که در طی آن‌ها دولت یا کارگزاران آن «شرایط حیاتی حساب شده»‌ای را بر یک گروه محلی یا سیاسی تحمیل می‌کنند «تا نابودی فیزیکی آن گروه را بطور کلی یا جزئی تحقق بخشند». ما در اینجا به بسط و کار بست یک گونه‌شناسی (Typology) خواهیم پرداخت که میان دو نوع «ژنوسید» (که در آنها گروه‌های قربانی اساساً برحسب ویژگی‌های محلی خود مشخص می‌گردند) و چهار نوع «پلی‌تیسید» (که در آن گروه‌های قربانی براساس وضعیت سیاسی خویش یا مخالفتشان با دولت تعریف می‌شوند) فرق می‌گذارد. چهل و چهار نمونه از این قبیل ماجراها، حائز ملاحظه‌های عملی تعیین شده در اینجا هستند. تجزیه و تحلیل کیفیت و چگونگی توزیع این حوادث نشان می‌دهد که چنین وقایعی در کلیه مناطق جهان رخ داده است ولی البته میزان وقوع آنها در اروپا و آمریکای لاتین نسبتاً کمتر می‌باشد. در هر دوره پنجاهساله پس از سال ۱۹۴۵ دومورد از این گونه جریان‌ها شروع شده و برخی نیز مربوط به دوره استعمارزدایی آفریقا و طول متوسط هریک از آن‌ها پنج سال بوده است. مجموع کشته‌شدگان در این ماجراها بین هفت و شانزده میلیون نفر بوده است که حداقل به اندازه تلفات انسانی کلیه جنگ‌های بین‌المللی و داخلی در همین دوره می‌باشد.

اینها نتایج یک بررسی جهانی درباره موارد سرکوب عظیم دولتی از جنگ جهانی دوم به بعد است. تحقیق حاضر بخشی از مطالعات تطبیقی گسترده‌تری است که هدفش ارزیابی و تفتیح تئوری‌های مربوط به شرایطی است که به «ژنوسید» و «پلی‌تیسید» منجر می‌شود. گرچه نسل‌کشی و کشتار سیاسی از

مقاصد دولت، انگیزه‌های گروه نخبه حاکم، ایدئولوژی حاکم، و روابط قدرت در درون ساختار اقتدار دولت بستگی دارد.

اشکال مختلف نسل‌کشی و کشتار سیاسی

بزهش تطبیقی در باب ژنوسید و حوادث مشابه آن تا حدودی بحث‌انگیز است، زیرا عده‌ای آنرا بعنوان تلاش در جهت کلیت بخشیدن به یهودی‌کشی نازیها (Holocaust) و بنابراین در ابهام فرو بردن ویژگی برجسته تراژدی یهود تلقی می‌کنند. البته جامع بودن کوشش نازی‌ها برای نابودسازی یهودیان محتملاً هیچ نمونه دقیقاً مشابهی در عصر جدید ندارد. اما اگر استدلال اخیر مبنی بر «منحصر به فرد بودن» [اعمال نازی‌ها] را بپذیریم، ناگزیر به این نتیجه خطرناک می‌رسیم که تنها یک تمدن غربی که مسلح به ایدئولوژی شبه نازی باشد از لحاظ تکنیکی قادر به ارتکاب گونه‌های کامل کشتار توده‌ای خواهد بود. بدین ترتیب تنها این استدلال باور نکردنی باقی می‌ماند که در شرایط زمانی مشخص و با نسلی دیگر از انسان‌ها، کشتار توده‌ای تراژدی منحصر به فردی خواهد بود که فقط مربوط به یهودیان و احتمالاً برخی از آلمانی‌ها است.

با ملاحظه حجم رو به رشد نوشته‌ها و تحقیقات مربوط به کشتار جمعی پیداست که دانشمندان اجتماعی هیچ گونه الزام اخلاقی خاص در اعطای جایگاه ویژه به کشتار یهودیان در میان سایر موارد ژنوسید و پلی‌تیسید که در خلال قرن حاضر صورت گرفته است ندارند. در میان محققینی که به جنبه‌های تطبیقی ژنوسید علاقمندند «کوپر»، «فین» و «چارنی» (Charny) اهمیت خاصی دارند. «چارنی» در یک تلاش پیشگامانه در سال ۱۹۸۲ عوامل کلی را مشخص ساخت که به ژنوسید منجر می‌گردد. در حالی که «کوپر» و «فین» در سال ۱۹۸۴ در باب مکانیسم‌های تعلیلی مؤثر در وقوع انواع مختلف ژنوسید نظریه پردازان کردند. با این وجود، هنوز کارهای انجام نشده بسیاری وجود دارد. امروزه مجموعه‌ای از اطلاعات تطبیقی وجود ندارد که موارد ژنوسید، کشتار جمعی، کشتار توده‌ای سازمان یافته، و سایر اشکال سرکوب دولتی را در گذشته و زمان حال بطور منظم مشخص سازد. چنین مجموعه‌ای می‌تواند برای ارزیابی و آزمون توضیحات تئوریک مفید باشد. تحقیق حاضر از تعاریف ارائه شده در فوق برای تعیین محدوده ابتدایی این گونه حوادث و نیز ویژگی‌هایی که باعث تسهیل تجزیه و تحلیل تطبیقی خواهد شد استفاده

منظم به قتل برسند، ولو آنکه به حمایت از یک گروه مخالف دولت پرداخته باشند (شورشیان). در این صورت چنین حادثه‌ای یک ژنوسید یا پلی‌تیسید خواهد بود. طبق تعریف ما، ژنوسید و پلی‌تیسید عبارت است از تشویق یا اجرای سیاست‌هایی از سوی یک دولت یا اعمال آن که به مرگ بخش قابل توجهی از یک گروه منجر گردد. تفاوت میان نسل‌کشی و کشتار سیاسی از حیث ویژگی‌هایی است که اعضای گروه مزبور را برای دولت مشخص می‌سازد. در ژنوسید، گروه قربانی اساساً برحسب ویژگی‌های اجتماعی یعنی نژاد، مذهب و ملیت تعریف می‌شود، در حالی که در پلی‌تیسید عامل مشخص سازنده گروه مزبور اساساً جایگاه آن در سلسله مراتب اجتماعی یا مخالفت سیاسی‌اش با دولت و گروه‌های مسلط می‌باشد. در تعریف ما، «ژنو-پلی‌تیسید» یک اقدام دولتی است و این در نوشته‌ها و تحقیقات مربوط به ژنوسید اصل پذیرفته شده‌ای است. اصطلاح پلی‌تیسید که هنوز تعریف عموماً پذیرفته شده‌ای برای آن وجود ندارد، در اینجا دقیقاً به همین سیاق بکار می‌رود.

تعریف ما از ژنوسید و پلی‌تیسید با تعریف کنوانسیون ژنوسید (Genocide Convention) همخوانی دارد. این کنوانسیون در بندهای «الف» و «ج»، «کشتار اعضای یک گروه» و «تحمیل عمدی شرایط حیاتی حساب شده‌ای بیک گروه بنظر نابودی کلی یا جزئی آن» را ممنوع ساخته است. اما نظر ما با دیدگاه کنوانسیون مزبور از این جهت متفاوت است که ما بند «ب» کنوانسیون را کنار گذاشته‌ایم. این بند اقداماتی را نیز که «منجر به لطمه شدید جسمی یا دماغی اعضای یک گروه شود» منع نموده است. دلیل کنار گذاشتن این بند آن است که قید مزبور تعریف ژنوسید را چنان گسترده خواهد ساخت که موارد بیشماری از گروه‌هایی را که در اثر تغییرات اجتماعی - اقتصادی نه زندگی خود بلکه صرفاً انسجام و هویت خویش را از دست داده‌اند در برمی‌گیرد. از طرف دیگر، این کنوانسیون دربارهٔ قربانیان سیاسی سخنی به میان نیاورده است در حالی که ما آن را در تعریف خود گنجانده‌ایم. باید توجه داشت که تعریف ما بر روی قربانیان متمرکز نیست. گرچه ویژگی‌های ذاتی قربانیان مهم است، ولی آنچه اهمیت قاطع دارد ویژگی‌ها و مقاصد دولت است. البته تعریف ارائه شده یکی از فرضیات اساسی در تئوری ما را نشان می‌دهد: اینکه یک قربان کشتار جمعی ژنوسید یا پلی‌تیسید به حساب می‌آید یا نه، نه ترکیب



■ صحنه‌ای از کشتار
بیرحمانه مردم حلبچه
با بمب شیمیایی

■ **مجموع قربانیان سیاست‌های نسل‌کشی و کشتارهای سیاسی در جهان از ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۸ بین هفت و شانزده میلیون نفر بوده است که دست کم به اندازه تلفات انسانی ناشی از همه جنگ‌های بین‌المللی و داخلی در همین دوره می‌باشد.**

■ **هیچ منطقه‌ای از جهان نبوده است که در دوره پس از جنگ جهانی دوم، دست کم یک نمونه نسل‌کشی یا کشتار سیاسی را در پرونده خود نداشته باشد. اگر بررسی را از سال ۱۹۳۵ آغاز کنیم، موارد مربوط به اروپا شامل جنگ داخلی اسپانیا، کشتار یهودیان و صرب‌ها و کولی‌ها به دست کرووات‌ها، قلع و قمع میلیون‌ها نفر لهستانی توسط نازیها و نیز کشتار گسترده یهودیان در آلمان نازی می‌گردد.**

■ **اگر شهروندان غیر مسلح عمدتاً و به طور منظم به قتل برسند، چنین حادثه‌ای «ژنوسید» یا «پلی‌تیسید» به شمار می‌آید.**

می‌کند. اطلاعات اساسی در هر مورد گردآوری شده و سپس بطور خلاصه مدون گشته است. الگوی تدوین که از «چارنی» اقتباس شده است، طول دوره زمانی هر ماجرا، ویژگی‌های گروه‌های قربانی، زمینه سیاسی این وقایع، و تاکتیک‌های بکار گرفته شده برای دستیابی به اهداف خاص را مشخص می‌سازد. این الگوی تدوین همچنین شامل یک گونه شناسی مبسوط از موارد ژنوسید و پلی‌تیسید است که مبنای منطقی آن‌ها با تفصیل بیشتر در زیر خواهد آمد. در مورد انواع ژنوسید، مدت دوام و قربانیان آنها، در بخش پایانی این مقاله تجزیه و تحلیلی انجام خواهد گرفت. کار اخیر «فین» در سال ۱۹۸۴ بر تدوین یک گونه شناسی از بدیده ژنوسید متمرکز می‌باشد. او از سناریوهای تخیلی که زمینه و شواهد یک مورد در حال بروز از ژنوسید را مشخص می‌کند استفاده می‌نماید. معهدا کار خلاق او در کاربرد عینی شواهد حاصل از ژنوسیدهای گذشته، تحت تاثیر سناریوهای «آرمانی» قرار می‌گیرد. برخی از سناریوهای این نویسنده را که حاکی از شکل‌گیری یک مورد ژنوسید است، هم اینک به سهولت می‌توان در بسیاری از ممالک جهان سوم که روابط گروه‌های نژادی مختلف در آنها ظاهراً موزون و هماهنگ است، یافت. متأسفانه توصیف وقایع بدان‌سان که رخ می‌نمایند غالباً مشخص نمی‌سازد که چه عواملی نهایتاً باعث ژنوسید می‌گردد. نه تنها تصمیم‌گیری پیرامون نحوه تمیز متغیرهای اصلی و فرعی از یکدیگر دشوار است بلکه هرگز نمی‌توان کاملاً مطمئن بود که چه عواملی برای بروز یک ژنوسید کافی است.

«لئوکوپر» (Leo Kuper) در سال ۱۹۸۴ به ارائه یک گونه شناسی شبیه گونه شناسی «فین» پرداخته است:

گونه شناسی «کوپر»

ژنوسید علیه مردم بومی

ژنوسیدی که در پی استعمارزدایی از ساختار دور دهای سلطه صورت می‌گیرد.

ژنوسید در خلال مبارزه بر سر قدرت یا برای خودمختاری از سوی گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی

ژنوسید علیه گروه‌های گروگان یا گروه‌های سربلا

گونه شناسی «فین»

ژنوسید مربوط به توسعه

ژنوسید مستبدانه

ژنوسید تلاقی جوانه

ژنوسید ایدئولوژیک

مقایسه میان این دو نوع گونه شناسی حاکی از آن است که:

۱- ژنوسید مربوط به توسعه در گونه شناسی «فن» مثل ژنوسید علیه افراد

بومی در گونه شناسی «کوپر» نوعی کشتار نسل‌هاست که در آن قربانیان محتملاً یک جمع قبیله‌ای هستند که در درون اکثریت ادغام نشده‌اند. این افراد که غالباً از حیث اقتصادی استعمار شده می‌باشند در مقابل «بیشرفت» اندکی مقاومت از خود نشان می‌دهند و بعنوان مانعی در سر راه توسعه بیشتر تلقی می‌شوند. برای شأن بشری این افراد غالباً ارزشی در نظر گرفته نمی‌شود و کشتار آنان به نام توسعه و نوسازی توجیه می‌گردد.

۲- ژنوسیدهای مستبدانه بیشتر در دولت‌های «نوپدید» و در جمع مردمی رخ می‌دهد که اشتراک تاریخی یا سنتی آنان ناچیز یا هیچ است. «کوپر» اصرار دارد که استعمارگران قبلی به تقسیمات قبیله‌ای - نژادی دامن زده و از وجود آن‌ها بهره برداری می‌کنند. پس از استقلال، «مرد قدرتمند» از قبیله رهبر اراده خویش را بر اقلیت‌های ناراضی تحمیل می‌کند و در این راستا غالباً برای پیشدستی بر تحركات مخالفت آمیز از ابزارهای خشن بهره می‌گیرد.

۳- ژنوسیدهای تلاقی جوانه در عین شباهت داشتن به ژنوسیدهای مستبدانه، اقدامی متفاوت بحساب می‌آید. آشکارترین جنبه آن است که این نوع نسل‌کشی‌ها در پی استعمارزدایی یا جنگ و غلبه رخ می‌دهد. نوعاً دو یا چند دسته از مردم از یک حوزه بر سر قدرت با هم به رقابت می‌پردازند و هیچیک استیلای دیگری را نمی‌پذیرد. یک فرق نمایان میان ژنوسید انتقام جوانه یا ژنوسید مستبدانه آن است که در اولی ریشه دشمنی‌های نژادی قبل از جانشینی یا استقرار رژیم جدید با گرفته است.

۴- کشتارهای جمعی ایدئولوژیک از دید «کوپر» و «فین» آندسته کشتارهایی است که به بهبود کشتی و کشتار جمعی آرامنه شباهت دارد. در پی جنگ و غلبه، دولت فاتح استیلای خویش را از راه کاربرد زور علیه اقلیت‌ها تحکیم می‌کند. در این جریان تعصبات موجود مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. گروه‌هایی که از لحاظ تاریخی دچار تبعیض بوده‌اند غالباً بعنوان سربلای رژیم جدید بکار گرفته می‌شوند. گاه اقدامات صرفاً متوجه مردمی است که در مقایسه با گروه مسلط، از لحاظ تمدن، مذهب یا نژاد، متفاوت‌ترین گروه تلقی می‌گردند. به غرایز ماقبل تاریخی صورت رفتارهایی مقبول داده می‌شود یعنی کشتار عده‌ای از انسان‌ها به یک وظیفه کاذب مبدل می‌شود.

بدین ترتیب انواع زیادی از کشتارهای جمعی زیر عنوان ژنوسید قرار می‌گیرد. ژنوسید در اساسی‌ترین شکل خود به کشتار سازمان یافته عده‌ای از مردم توسط یک حکومت یا ابادی آن اشاره دارد. گرچه سایر اشکال کشتار سازمان یافته توسط یک دستگاه دولتی نیز به ژنوسید نزدیک است ولی از لحاظ





صحنه‌ای از جنایت‌های هولناک خمرهای سرخ در کامبوج

آخرین دسته را پس از تجزیه و تحلیل ابتدایی موارد مطالعه شده اضافه کردیم تا دو نوع کشتار سیاسی سرکوبگرانه را از هم متمایز سازیم. در «پلی تیسید سرکوبگرانه» تعریف دولت از گروه‌های قربانی صرفاً مبتنی بر پیوندهای سیاسی آنهاست. در پلی تیسید «سرکوبگرانه استیلا جویانه» نیز گرچه گروه‌های قربانی اساساً برحسب پیوندها و اقدامات سیاسی خود مشخص می‌شوند ولی حائز برخی نشانه‌های محلی متمایز نیز هستند. این طبقه از حوادث، ژنوسید به حساب نمی‌آید زیرا براساس اطلاعات قابل دسترسی، تأثیر نشانه‌های محلی گروه قربانی شده بیشتر تصادفی و فرعی بوده است تا اساسی. پنج نوع از ماجراهای مورد مطالعه ما دارای انگیزه‌های متعدد یا گروه‌های قربانی مختلط بوده‌اند و لذا استفاده از عنوان مضاعف در جدول (۱) لازم بوده است. از این گونه است مورد انقلابی / سرکوبگرانه (لاتوس) و مورد سرکوبگرانه / بیگانه ترسانه (اندونزی).

معیارهای عملی در تشخیص نسل کشی و کشتار

سیاسی ما به ارائه و بررسی اطلاعات مربوط به سوابق چهل و چهار مورد کشتارهای صورت گرفته تحت نظارت دولت‌ها که در جدول (۱) تلخیص شده است پرداخته‌ایم. موارد مزبور با معیارهای تعریفی و کلی ما مطابقت دارد. در هر مورد یک یا چند گروه را می‌توان تشخیص داد که آماج تلاش‌های عمدی دارو دسته حاکم به منظور «تحقق نابودی فیزیکی کلی یا جزیی گروه مزبور» قرار گرفته‌اند. برخی دیگر از جریانات سرکوب عظیم را نیز می‌شد ارائه کرد ولی در اینجا ارزشی برای آنها قائل نشده‌ایم خواه بدان جهت که تمامی معیارهای عملی را حائز نبوده‌اند و یا آنکه اطلاعات مربوط به آنها آنقدر ناچیز بوده که تصمیم گیری در این باره را که آیا واجد شرایط مورد نظر هستند یا نه، ناممکن ساخته است.

تصمیم گیری در خصوص موارد موجود در فهرست و این مساله که آیا فهرست مزبور «کامل» است یا نه، نخست به ملاک‌های عملی به کار رفته در تعیین اجزای یک «ماجرا» بستگی دارد. کلی‌ترین ملاک، عبارت از همدستی دولت در کشتار جمعی است.

□ □ □

تکتیکی ژنوسید محسوب نمی‌شود زیرا قربانیان بجای پیوندهای نژادی یا مذهبی در اعتقادات سیاسی اشتراک دارند، و لذا در خارج از محدوده تعریف سازمان ملل از ژنوسید قرار می‌گیرد. البته این حوادث متفاوت دارای نتایج مشابهی (کشتن عمدی جمع کثیری از مردم) است ولی تمایزات تحلیلی میان آنها حائز اهمیت است زیرا هر طبقه از وقایع نیازمند تبیین و تعریف‌های گوناگون می‌باشد. آنچه ضرورت دارد، یافتن مواردی در جهان واقعی است که با سناریوهای تخیلی «فین» همخوانی داشته باشد و نیز رشته پیوند دهنده این وقایع، و همچنین اثرات و فرآیندهایی که باعث تمایز آنها می‌شود.

یک گونه شناسی تجدید نظر شده

گرچه در خصوص حجم شواهد لازم برای بنای تعاریف و گونه شناسی‌ها هیچگونه حد مشخصی وجود ندارد ولی حداقل باید بیش از مشتق اطلاعات موردی در اختیار داشته باشیم. در این زمینه آثار «لمکین» (۱۹۴۴)، Lemkin، «دادریان» (۱۹۷۵)، Dadrian، «هورویتز» (۱۹۸۰)، Horowitz، «فین» (۱۹۸۴)، «کوبر» (۱۹۸۱ و ۱۹۸۴)، «چارنی» (۱۹۸۲)، و جدیدترین تلاش‌ها از سوی «جوناسون و چاک» (۱۹۸۷)، Jonasson, Chalk برای تمیز انواع ژنوسید بسیار سودمند است. اما گونه شناسی‌های این نویسندگان همگی حاصل استقراء از مشاهدات مربوط به برخی موارد برجسته است که لزوماً نماینده پهنه گسترده ژنوسیدهای واقع شده نمی‌باشد. ما در طرح خود که پر دوره بعد از جنگ جهانی دوم متمرکز می‌باشد، تا حال حاضر اطلاعات خلاصه شده‌ای را در باره بیش از چهل مورد کشتار سیاسی و نسل کشی مشخص ساخته و در بررسی خود به کار گرفته‌ایم. تأکید پر دوره پس از جنگ (با وجود آن که برخی از مواردی را نیز که قبل از سال ۱۹۴۵ شروع شده در بررسی گنجانده‌ایم) بدان لحاظ است که قصد مساعف توجه به میزان تناوب این قبیل حوادث سرگبار از زمانی است که جامعه جهانی از شرارت‌های صورت گرفته در خلال کشتار یهودیان آگاه‌ی یافت. آگاهی از کشتار یهودیان به کنوانسیون ژنوسید منجر شد ولسی ظاهراً کمکی به جلوگیری از تکرار نمونه‌های کوچکتر نمود. حداقل چیزی که یک ناظر خوشبین می‌تواند قائل باشد آن است که برخی از مواردی که در اینجا ذکر شده است، در صورت فقدان حساسیت بین‌المللی و تلاش محققین و افراد علاقمند به این موضوع می‌توانست خیلی فاجع‌تر از اینها باشد.

گونه شناسی زیر حاصل برداشت از گونه شناسی‌های «فین» و «کوبر» و نمونه کامل شده آنهاست. ما براساس بررسی‌های مقدماتی پیرامون طیف وسیعی از این قبیل حوادث به اصلاح گونه‌های ارائه شده توسط «کوبر» و «فین» مبادرت نموده‌ایم. اولاً ویژگی‌های مشخص کننده هر گروه را به دقت تعیین نموده‌ایم، ثانیاً میان چهار نوع مختلف از پلی تیسید که در تلاش‌های قبلی دقیقاً از هم جدا نشده بود فرق قائل شده‌ایم. این تمایزات مبتنی بر مکان و مرتبه گروه قربانی در قبال دولت و اهداف سیاست گذارانه گروه حاکمه در این اقدامات می‌باشد.

ژنوسید استیلاجویانه (Hegemonial Genocid) عبارتست از کشتارهایی جمعی که در زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های مشخص نژادی، مذهبی یا ملی به طور مثال در خلال تحکیم یک رژیم جدید یا در جریان توسعه طلبی ملی وادار به تسلیم شدن در قبال اقتدار مرکزی می‌شوند.

ژنوسید بیگانه ترسانه (Xenophobic Genocide) عبارتست از کشتار جمعی گروه‌های مشخص نژادی، مذهبی یا ملی در جهت حمایت از آیین‌های ملی یا بالایش اجتماعی که گروه‌های قربانی را بیگانه یا منبع خطر معرفی می‌کنند. پلی تیسید انتقام جویانه (Retributive Politicide) عبارتست از کشتاری جمعی که آماج آن گروه‌های سابقاً مسلط یا متنفذ می‌باشند و بر اثر خشم از امتیازات یا سوءاستفاده‌های گذشته آنها به راه افتاده است.

پلی تیسید سرکوبگرانه (Repressive Politicide) عبارتست از کشتاری جمعی که هدف آن احزاب، دسته بندیها و جنبش‌های سیاسی است که در نوعی فعالیت مخالفت آمیز شرکت داشته‌اند.

پلی تیسید سرکوبگرانه / استیلا جویانه (Repressive / Hegemonial Politicide) عبارتست از کشتاری جمعی که آماج آن گروه‌های مشخص نژادی یا ملی است که در نوعی فعالیت مخالفت آمیز شرکت داشته‌اند.

□ جدول (۱): موارد نسل کشی و کشتار سیاسی از جنگ جهانی دوم به بعد*

کشور	طول مدت	گروه‌های قربانی	تعداد قربانیان**	نوع ماجرا
اتحاد شوروی ^۵	۱۹۴۳-۴۷	اتباع شوروی که دوباره به تابعیت آن کشور بازگشتند.	۵۰-۱۱۰۰	سرکوبگرانه
اتحاد شوروی ^۵	نوامبر ۱۹۴۳ تا ژانویه ۱۹۵۷	چین‌ها، اینگوس‌ها، قره‌چای، بالکارها، کالمیک‌ها	۲۳۰	استیلاجویانه
اتحاد شوروی ^۵ چین	از مه ۱۹۴۴ تا ۱۹۶۷ فوریه تا دسامبر ۱۹۴۷	مسختیان‌ها، تاتارهای کریمه ملی‌گرایان تاپوایی	۵۷-۱۷۵ ۱۰-۴۰	استیلاجویانه سرکوبگرانه
اتحاد شوروی	از اکتبر ۱۹۲۷ تا؟	ملی‌گرایان اوکراینی	؟	سرکوبگرانه
ماداگاسکار	از آوریل ۱۹۴۷ تا دسامبر ۱۹۴۸	ملی‌گرایان مالاگاسی	۱۰-۸۰	سرکوبگرانه
مالایا	۱۹۴۸-۵۶	چینی‌ها	۵۲۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
جمهوری خلق چین	۱۹۵۰-۵۱	کادراهی کومین‌تانگ، دهقانان ثروتمند، زمینداران	۸۰۰-۳۰۰۰	انقلابی
ویتنام شمالی	۱۹۵۳-۵۴	زمینداران کاتولیک، دهقانان متوسط و ثروتمند	۱۵	انقلابی
سودان ^۶	۱۹۵۲-۷۲+	ملی‌گرایان جنوب سودان	۱۰۰-۵۰۰	سرکوبگرانه
پاکستان ^۶	۱۹۵۸-۷۴+	قبیله‌نشین‌های بلوچ	؟	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
جمهوری خلق چین	۱۹۵۹	ملی‌گرایان تبتی، زمینداران، بودائیان	۶۵	استیلاجویانه
عراق ^۶	۱۹۵۹-۷۵	ملی‌گرایان کرد	؟	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
آنگولا	مه ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۲	کنگو، آسیخیلا دوها	۴۰	سرکوبگرانه
الجزایر	ژوئیه تا دسامبر ۱۹۶۲	حرکی‌ها، حامیان OAS	۱۲-۶۰	تلافی‌جویانه
پاراگوئه	۱۹۶۲-۷۲	سرخوستان آچه	۰/۹	بیبگاهانه ترسانه
رواندا	۱۹۶۳-۶۴	طبقه حاکمه توتسی	۵-۱۴	تلافی‌جویانه
لانوس	۱۹۶۳-۶۵	قبیله‌نشینان متو	۱۸-۲۰	انقلابی/سرکوبگرانه
زئیر ^۶	از فوریه ۱۹۶۴ تا ژانویه ۱۹۶۵	کنگویی‌های تحصیلکرده، میسیونرها، اروپائیان	۱-۱۰	انقلابی
ویتنام جنوبی	۱۹۶۲-۷۲	غیرنظامیان در نواحی NLF	۲۷۵	سرکوبگرانه
اندونزی	از اکتبر ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۶	کمونیست‌ها، چینی‌ها	۵۰۰-۱۰۰۰	سرکوبگرانه/بیبگاهانه ترسانه
بوروندی ^۶	۱۹۶۵-۷۳+	رهبران هوتو، دهقانان	۱۰۳-۲۰۵	سرکوبگرانه
نیجریه	مه تا اکتبر ۱۹۶۶	ایبوهای ساکن در شمال کشور	۹-۳۰	بیبگاهانه ترسانه
جمهوری خلق چین	مه ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۵	قربانیان انقلاب فرهنگی	۴۰۰-۸۵۰	انقلابی
گوآتمالا	۱۹۶۶-۸۴+	سرخوستان، چه‌گرایان	۳۰-۶۳	سرکوبگرانه
هندوستان	۱۹۶۸-۸۲	ناکسالیته‌ها	۱-۳	سرکوبگرانه
فیلیپین	۱۹۶۸-۸۵	ملی‌گرایان مورد	۱۰-۱۰۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
گینه استوایی	مارس ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹	قبیله بویی، مخالفان سیاسی ماکیاس	۱-۵۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
اوگاندا	فوریه ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۹	کارامه‌جرتک، آپولی، لانگو، روحانیون، مخالفان سیاسی ایدی‌امین	۱۰۰-۵۰۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
پاکستان	مارس تا دسامبر ۱۹۷۱	ملی‌گرایان بنگالی	۱۲۵۰-۳۰۰۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
شیلی	سپتامبر ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶	چه‌گرایان	۵-۳۰	تلافی‌جویانه
اتیوپی	۱۹۷۴-۷۹	جبهه مخالفان سیاسی	۳۰	انقلابی
کامبوج	۱۹۷۵-۷۹	وفاداران به رژیم سابق، مردم شهرنشین، کادراهی غیروفادار، مسلمانان چام	۸۰۰-۳۰۰۰	انقلابی
اندونزی	دسامبر ۱۹۷۵ تا حال حاضر	ملی‌گرایان تیمور شرقی	۶۰-۲۰۰	سرکوبگرانه/استیلاجویانه
آرژانتین	۱۹۷۶-۸۰	چه‌گرایان	۹-۳۰	سرکوبگرانه
زئیر ^۶	۱۹۷۷-۸۴+	مخالفان رژیم موبوتو	۳-۴	سرکوبگرانه

□ بقیه جدول (۱): موارد نسل کشی و کشتار سیاسی از جنگ جهانی دوم به بعد

کشور	طول مدت	گروه های قربانی	تعداد قربانیان *	نوع ماجرا
برمه	۱۹۷۸	مسلمانان منطقه مرزی		بیهگانه ترسانه
افغانستان	از ۱۹۷۸ تا حال حاضر	وفاداران به رژیم سابق، حامیان شورشیان	۱۰۰۰	انقلابی
اوگاندا	۱۹۷۹ تا ژانویه ۱۹۸۶	کارامه جونگ، باگاندا، مادی، سایر حامیان ایدی امین	۵۰-۲۰۰	تلافی جویانه / بیهگانه ترسانه
السالوادور	از ۱۹۸۰ تا حال حاضر	چیکرایان	۲۰-۷۰	سرکوبگرانه
سوریه	از آوریل ۱۹۸۱ تا فوریه ۱۹۸۲	اخوان المسلمین	۵۲۵	سرکوبگرانه
سرلانکا	۱۹۸۳-۸۷	ملی گرایان تامیل	۲-۱۰	سرکوبگرانه / استیلا جویانه
اتیوپی	۱۹۸۴-۸۵+	قربانیان اسکان مجدد	?	انقلابی / سرکوبگرانه

توضیح جدول شماره (۱)

رژیم «ابوته» که جانشین آن شد حامیان سیاسی و قبیله ای «امین» را زیر حمله خود گرفت.

معیارهای عملی مفصل تری نیز ایجاد شده است. فهرست ماجراها شامل مواردی است که در آنها (الف) - تعداد زیادی از افراد غیر جنگجو عمداً به قتل رسیده اند، (ب) - آمار تلفات بالا بوده است (هزاران نفر یا بیشتر)، (ج) - درگیری به طول انجامیده است. نخستین مورد از این ملاک های عملی به بررسی ژنوسیدها و پلی تیسیدهایی که در خلال جنگ های داخلی رخ می دهد کمک می کند. بیست و سه مورد از چهل و چهار مورد جدول (۱) در طی جنگ ها یا شورش های داخلی و یا بلافاصله پس از آن رخ داده است. در چنین برخوردهایی رژیم ممکن است از انواع تاکتیک ها علیه نظامیان استفاده نماید منجمله کشتار تلافی جویانه افراد غیر جنگجو در نواحی شورشی، بمباران و گلوله باران کامل آن دسته از نواحی مسکونی که مظنون به پناه دادن به شورشیان هستند، قتل افرادی که حامی دیدگاه های ضد رژیم می باشند، و تبعید و توقیف جمعی تحت شرایطی که زندگی افراد را در معرض خطر قرار می دهد. اولین ملاک، از بحث ما درباره تعریف این گونه پدیده ها منتج می شود: گرچه جنگ های داخلی و انقلابی همواره فرصت مناسبی است برای اقدام نظامی علیه شورشیان ولی ماقصود آن دسته از ماجراهایی را در فهرست خود گنجانده ایم که در آنها دولت و متحدان یا اعمال آن صرفاً بر پایه سوء ظن نسبت به گروه های درمورد حمایت از شورشیان عمداً سعی در نابودی آنها می کنند. اما دومین ملاک، یعنی «تعداد تلفات»، اصولاً در تعریف اینگونه جریانات دخالتی ندارد زیرا تلاش برای حذف گروه هایی با شمار چند صد عضو دقیقاً به همان اندازه که سعی در نابودی گروه های بسیار بزرگتر می شود، نوعی ژنوسید پاهلی تیسید به شمار می آید. در عمل، به نابودی گروه های کوچک توجهی نمی شود بویژه در مواقعی که این اقدام در متن جریانات بزرگتری از سرکوب های عظیم دولتی اتفاق افتد. بنا بر گزارشها، بیش از ۴۰۰/۰۰۰ نفر از مسلمانان «چام» Cham در کامبوج در میان سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۷۸ به وسیله رژیم «پلوت» Pol Pot به قتل رسیدند ولی در متن چنین کشتارهای سیاسی گسترده ای غیر از «چام ها» و مامورین قتل عام آنها ظاهراً تعدادی اندک از افراد دیگری هم بودند که می دانستند برای ژنوسید برگزیده شده اند. (گزارش عفو بین الملل، ۱۹۳۸، صفحات ۲-۴). از جمع چهل و چهار موردی که تحت بررسی قرار داده ایم کوچک ترین ماجرا، عبارت از کارزار علیه سرخوستان «آچه» (Ache Indians) در باراگوئه می باشد که محتملاً در ابتدا شمار آنها بیش از چند هزار نفر نبوده است.

سومین معیار عملی با طول مدت این قبیل جریانات ارتباط دارد. فقط آن دسته از موارد کشتار جمعی در اینجا منظور شده است که حداقل برای مدت ۶ ماه به طول انجامیده باشد. البته طول مدت جریان در تعریف ژنوسید و پلی تیسید یک عنصر ذاتی نیست ولی غالباً نابودی فیزیکی کلی یا جزئی یک گروه مستلزم وقت و تلاش قابل ملاحظه ای است. قتل عام های منفرد و ناپهوسته در فهرست مادر درج نشده است. به طور مثال قتل عام فلسطینیان در اردوگاه های صبرا و شتیلا در بیروت در سپتامبر ۱۹۸۲ علیرغم آنکه برخی از ناظران نام ژنوسید بر آن نهاده اند جایی در فهرست ما ندارد. قاتنده

* ماجراهایی که به دست مراجع سیاسی یا با کمک آنان صورت گرفته و متوجه گروه های مشخص نژادی، ملی و مذهبی، یا گروه های سیاسی بوده است. در تعدادی از این حوادث چند گروه مشخص قربانی شده اند. انواع ماجراها در متن مقاله تعریف شده است.

** همانگونه که در متن مقاله تشریح گردیده، قربانیان شامل کلیه شهروندان غیر نظامی می گردد که بنا بر گزارشها، مستقیماً در اثر اقدام رژیم جان سپرده اند منجمله قربانیان ناشی از گرسنگی و فقدان جان پناه، همچنین افرادی که اعدام یا قتل عام شده اند، زیر بمباران و گلوله باران قرار گرفته اند یا بهر طریق دیگری به قتل رسیده اند. از تعداد دقیق کشته شدگان به ندرت اطلاع داریم و گاه حتی هیچگونه برآورد قابل اعتمادی در دسترس نیست. اعداد مذکور در این جدول نمایانگر محدوده ای است که «بهترین تخمین ها» و حدس ها را دربر می گیرد.

□ سه ماجرای نخست جدول مربوط به اتحاد شوروی، همگی در خلال جنگ جهانی دوم و در نتیجه این جنگ رخ داده است ولی از آنجا که پس از خاتمه جنگ همچنان ادامه داشته بعنوان ماجراهایی پس از این جنگ تلقی شده است. دومین، سومین و چهارمین ماجرای مربوط به اتحاد شوروی همگی شامل تبعید سریع و اجباری گروه های ملی به نواحی دوردست آنها تحت شرایطی بوده است که افراد بسیاری در اثر سوء تغذیه، بیماری و فقدان سرپناه جان سپرده اند. تعداد اندکی از قربانیان نیز مستقیماً به قتل رسیده اند. تاریخ پایان دومین و سومین ماجرا نمایانگر تاریخ اعاده حقوق شهروندی بازماندگان است.

□ این ماجراها منقطع و شامل دو یا چند دوره مجزای کشتار جمعی بوده که معمولاً با توجه به تجدید مقاومت گروه قربانی از سر گرفته شده است.

□ کشتارهای انجام شده توسط جمهوری کم دوام خلق کنگو از فوریه ۱۹۶۴ تا تسخیر مجدد «استانی ویل» (بایتخت) در ژانویه ۱۹۶۵.

«ماجرا» عبارت است از سیاست منسجم برای نابودی یک گروه توسط دارودسته حاکم صرف نظر از طول مدت و تنوع قربانیان آن. در برخی از موارد چندین گروه مجزا در طی یک دوره زمانی و بوسیله ابزارهای مشابه نابود شده اند. چنین مواردی در آن دسته از نواحی اتحاد شوروی که از اشغال آلمان در سالهای ۴۴-۱۹۴۳ آزاد شدند و در اوگاندا در طی حکومت «ایدی امین» و «میلتون ابوته» رخ داده است. میان دو جریان تبعید مرگبار در اتحاد شوروی، بر اساس سرنوشت نهایی بازماندگان تمایز قائل شده ایم. از چچن ها (Chechens)، اینگوشا (Ingushi)، قوم قره جای (Karachai) و بالکارها (Balkars) در سال ۱۹۷۵ اعاده حیثیت کامل شد و نواحی خود مختار آنها بار دیگر ایجاد گردید در حالیکه حقوق شهروندی مسخیشانها (Meskhetians) و تاتارهای کریمه تا سال ۱۹۶۸ اعاده نشد و سرزمین های مادری آنها هرگز از لحاظ سیاسی تجدید سازمان نیافت. قائل شدن تمیز میان این دو ماجرا از بحث مفهومی ماناشی می شود چرا که سیاست های دراز مدت دولت شوروی در قبال این دو دسته با هم فرق داشته است. در اوگاندا نیز میان دو ماجرا فرق می گذاریم زیرا آندو نمایانگر مقاصد دو رژیم مخالف هم بوده اند: رژیم ایدی امین دشمنان سیاسی و قبیله ای خویش را هدف قرار داد، در حالیکه

باید مواردی از این قبیل اضافه شود ولی فهرست حاضر در بردارنده بیشتر ماجراهای اساسی است که پس از جنگ جهانی دوم رخ داده است.

یک تحلیل ابتدائی از ویژگیهای کشتار جمعی

□ آغاز و طول مدت

از جنگ جهانی دوم به این سو تقریباً هر سال یک مورد تازه ژنوسید یا پلی تیسید شروع شده است. بعلاوه همانگونه که از جدول زیر که تاریخ آغاز این ماجراها را نشان می دهد پیداست، در هر دهه تعداد چشمگیری از موارد آغاز گردیده است.

تاریخ شروع ماجراها

۳	ماجراهای آغاز شده قبل از ۱۹۴۶
۵	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۴۶-۵۰
۲	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۵۱-۵۵
۳	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۵۶-۶۰
۹	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۶۱-۶۵
۶	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۶۶-۷۰
۶	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۷۱-۷۵
۶	ماجراهای آغاز شده در ۱۹۷۶-۸۰
۴	ماجراهای آغاز شده از ۱۹۸۱ تا حال حاضر

بین سال های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۷ یک دوره آرامش بروز کرد یعنی تنها سه ماجرای جدید آغاز گشت. تمرکز بسیار شدید ماجراها میان سالهای ۱۹۶۱ و ۱۹۶۵ عمدتاً با استعمار زدایی افریقا ارتباط دارد.

طول مدت این قبیل جریانات بخصوص زمان پایان آنها مبهم است. کشتار قربانیان بجای آنکه پایانی ناگهانی داشته باشد غالباً به تدریج آرامتر شده است، مگر در حالتیکه گروه حاکم مسئول کشتارها بر اثر انقلاب یا مداخله خارجی سرنگون شده باشد. طبق محاسبات، هر ماجرا بطور متوسط قریب به پنج سال طول می کشد. جدول زیر نشان دهنده آنست که هشت مورد کمتر از دو سال به طول انجامیده، و طول ماجرا در بیست مورد برابر یا ۶ سال یا بیشتر بوده است.

نوع سرکوبگرانه - استیلاجویانه غالباً دیرباتر است زیرا بسیاری از این قبیل ماجراها شامل کارزارهای پراکنده یی می باشد که علیه گروههای محلی یا مقاومت سیاسی صورت گرفته است.

شایان توجه است که در سال «نمونه» در طی چهار دهه اخیر، شش ماجرای مختلف در جریان بوده است. از این لحاظ سال ۱۹۸۷ با پنج ماجرا به حد متوسط نزدیک می شود؛ در سری لانکا (که در آنجا تعقیب و آزار پراکنده جدایی طلبان «تامیل» پس از مداخله هند شروع به فروکش نمود) در افغانستان (انتقام کشی و مبارزات های مداوم در نواحی پشتیبان مجاهدین) در السالوادور (انتقام کشی نظامی جوخه های مرگ علیه هواداران چپگرایان) تیمور شرقی (که در آنجا کارزارهای نظامی علیه ملی گرایان هنوز هم صورت می گیرد).

طول مدت ماجراها

۱۰	ماجراهایی که کمتر از یکسال بطول انجامیده اند
۸	ماجراهایی که ۱ تا ۲ سال به طول انجامیده اند
۶	ماجراهایی که از ۳ تا ۵ سال به طول انجامده اند
۱۲	ماجراهایی که از ۶ تا ۱۰ سال به طول انجامیده اند
۸	ماجراهایی که بیش از ۱۰ سال به طول انجامیده اند

گونه شناسی ماجراها

طبقات ششگانه گونه شناسی ما بطور خلاصه حاوی اطلاعاتی اساسی در مورد هویت گروهی قربانیان و شرایط سیاسی ویژه ایست که تحت آن گروههای مزبور در معرض نابودی قرار می گیرند. تعداد ماجراهای هریک از این انواع ششگانه در جدول ۲ خلاصه شده است.

عمل ما این است که تنها یک سلسله طولانی از قتل عام ها و انتقام کشی ها علیه یک گروه قربانی که توسط یک دولت یا گروه حاکم انجام شود یک ماجرا تلقی گردد. حملات رژیم عراق علیه مبارزان کرد و انتقام کشی های مشابه علیه چپ گرایان و سرخوستان در گواتمالا، در مجموعه اطلاعات ما نمونه ای از حوادثی است که از یک رشته انتقام کشیهای عظیم غیر مداوم علیه یک گروه مورد حمله تشکیل شده است. به نظر ما هریک از این ها یک ماجرای مستقل را تشکیل می دهد زیرا تصمیم و اجرای آن از سوی یک گروه حاکم و با بهره گیری از تاکتیک های یکسان انجام گرفته است. مرز میان یک یا دو مورد قتل عام با یک «ماجرا» ذاتاً نامعین باقی می ماند. قائل شدن یک چارچوب زمانی محدودتر، منجر به افزایش اساسی تعداد حوادثی خواهد شد که باید در فهرست منظور گردد.

دست آخر این مسئله مطرح است که تعداد چشمگیری از حوادث را که با تعاریف مفهومی و عملی ما مطابقت داشته از فهرست خود حذف کرده ایم. اولاً برخی از مواردی که براساس اطلاعات قابل وصول، در مرز یا دقیقاً در آن سوی مرز ملاک های ما قرار می گرفتند حذف شده اند. یک نمونه از آنها عبارت است از رفتار رژیم ترکیه با ملی گرایان کرد بومی از سال ۱۹۶۰؛ اطلاعات محدود ما بیانگر آن است که اغلب افرادی که به هلاکت رسیده اند شورشیان مسلح بوده اند و نه افراد غیر نظامی. نمونه دیگر، رفتار حکومت برزیل با سرخوستان آمازون است؛ ظاهراً این قضیه حداکثر یک بی توجهی کم خطر بوده است و لذا با همدستی آشکار حکومت پاراگوئه در نابودسازی نسل «آچه ها» فرق دارد.

اطلاعات بیشتر در خصوص این موارد و سایر حوادث می تواند به حذف یا اضافه شدن چند مورد دیگر منجر شود. گروه دوم از موارد حذف شده شامل وقایعی است که برای درج احتمالی در جدول ارائه گردیده ولی هنوز تحلیل نشده باقی مانده است. از جمله این موارد عبارتند از: کشتارهای انتقام جویانه هواداران نازیها در اروپای غربی در سال های ۴۶ - ۱۹۴۵، معاملهای که در اواخر دهه ۱۹۴۰ با کمونیست های یونان شد، و کشتارهای تلافی جویانه اهالی جنوب چاد بوسیله نیروهای حکومت «هابره» که بر نواحی شمالی کشور استیلا داشتند در اواخر سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۶. اعتقاد ما بر آن است که گرچه هنوز



جدول ۲: دسته بندی موارد نسل کشی و کشتار سیاسی بر اساس دوره زمانی و منطقه وقوع

نوع ماجرا	دوره وقوع	محل جغرافیایی - فرهنگی وقوع ماجرا**	جمع کل*
زئوسید	۳	۲	۱
استیلا جویانه	۳	۲	۱
بیگانه ترسانه	۳	۲	۱
پلی تسید	۱۵	۶	۳
سرکوبگرانه	۹	۶	۳
سرکوبگرانه / استیلاجویانه	۹	۶	۳
تلافی جویانه	۴	۲	۱
انقلابی	۱۰	۶	۲
جمع کل	۴۴	۲۲	۱۳
موارد مرکب*	(۵)	(۳)	(۱)



■ قربانیان مظلوم بمباران شیمیایی حلبچه

■ حملات رژیم عراق به مبارزان کرد و انتقام کشی های مشابه علیه چپگرایان و سرخپوستان در گواتمالا، نمونه حوادثی است که از یک رشته انتقام جوئی های عظیم غیر مداوم علیه یک گروه تشکیل شده است.

توضیح جدول (۲)

* پنج ماجرای مرکب که در جدول (۱) ذکر شده در اینجا بر مبنای خصلت مسلط خود دسته بندی گردیده اند. ماجراهای انقلابی / سرکوبگرانه (در لانوس، اتیوپی) در اعداد ماجراهای انقلابی شمارش شده اند. ماجرای سرکوبگرانه / بیگانه ترسانه اندونزی نیز یک مورد سرکوبگرانه به شمار رفته است.

ماجرای تلافی جویانه / بیگانه ترسانه اوگاندا هم در زمره موارد تلافی جویانه محاسبه شده است.

** ناحیه جغرافیایی - فرهنگی اروپا شامل اروپای شرقی و غربی به همراه اسرائیل و ممالک اروپایی نشین آمریکای شمالی و حوزه اقیانوس آرام می باشد (البته همه موارد این دسته مربوط به اتحاد شوروی بوده است). ناحیه آمریکای لاتین شامل آمریکای مرکزی و منطقه کارائیب می باشد. مناطق اسلامی شامل کشورهای اسلامی، از مراکش تا پاکستان، به اضافه اندونزی می باشد. سایر ممالک واقع در شرق پاکستان جزو ناحیه آسیا تلقی شده اند. افریقا شامل کل قاره سیاه و جزایر ساحلی آن به استثنای ممالک عمدتاً اسلامی شمال قاره می باشد.

تعداد ماجراهایی که در آنها ویژگی های محلی قربانیان عامل مشخص کننده آنها بوده است تنها ۶ عدد است. سه تا از این ماجراها از نوع استیلاجویانه هستند و بقیه از نوع بیگانه ترسانه. آنچه باعث تمایز زئوسید استیلاجویانه از زئوسید مبتنی بر ترس از بیگانگان می گردد انگیزه گروه های حاکمه است. در نوع نخست، انگیزه اصلی عبارت است از مطیع ساختن یک گروه محلی از طریق کشتار تعداد کافی از اعضای آن به نحوی که بازماندگان هیچگونه قصد یا قدرت مقاومت نداشته باشند؛ در حالی که در نوع دوم، ایدئولوژی است که حذف گروه های محلی مختلف را ایجاب می کند. علاوه بر سه ماجرای بیگانه ترسانه، دو جریان مختلط با مرکب هم وجود دارد که به صورت سرکوبگرانه بیگانه ترسانه و تلافی جویانه بیگانه ترسانه مشخص شده اند. قربانیان این پنج ماجرا شامل قبیله های بومی (سرخپوستان آچه در باراگوئه، قوم کارامه جونک Karamejong؛ دراوگاندا) اعضای اقلیت های مذهبی (مسلمانان در برمه) و اقلیت های مهاجر مرفه (ایبوها Ibos در نیجریه شمالی، چینی ها در اندونزی) می باشند. در اغلب این موارد هیچگونه سیاست سرکوب عمده و مداومی که از سوی گروه های حاکم مقرر و سازماندهی شده باشد، وجود نداشته است. برعکس، جز در اوگاندا حکام در واقع کشتارهای جمعی را که بر اثر دشمنی های خصوصی آغاز شده است تلویحاً دامن زده یا به سکوت برگزار کرده اند.

در سه مورد پلی تسید، قربانیان اساساً نه بر حسب هویت ملی خود بلکه بر پایه جهت گیری سیاسی شان مشخص شده اند. از این نوع کشتار جمعی چهار نمونه مختلف وجدگانه وجود دارد.

پلی تسید سرکوبگرانه (Repressive Politicide) عبارت است از یک کشتار جمعی که در آن گروه های حاکم به انتقام کشی از هواداران احزاب، دسته بندیها و جنبش های سیاسی می پردازند زیرا آنها از اقدامات مخالفان حمایت می کنند (پانزده مورد). اینگونه جریانات خصلتاً بسیار متنوع هستند. تعدادی از آنها طی سالهای زوال حکومت استعماری در افریقا رخ داده اند یعنی در هنگامیکه ارتشیان کشور استعمارگر و میلیشیای محلی در جهت خشکاندن سرچشمه های مقاومت سیاسی در برابر ادامه حکومت اروپائیان به کوشش پرداخته اند. (به طور مثال در ماداگاسکار در سالهای ۴۸-۱۹۴۷ و در آنگولا در سالهای ۶۲-۱۹۶۱). دو نوع جدید از کشتار سیاسی سرکوبگرانه نیز وجود دارد. نوع اول، اعدام و انتقام کشی پنهانی بمنظور حذف هواداران کمونیست هاست. اغلب اینگونه ماجراها به دست رژیمهای نظامی نظیر رژیمهای اندونزی، گواتمالا، السالوادور، شیلی و آرژانتین صورت گرفته است. بلس هند نیز همین تاکتیک ها را البته در مقیاس کوچکتر علیه حامیان جنبش انقلابی «ناکسی لیت» (Naxalite) بکار برده است. نوع دوم در برخی از دولت های نوپدید افریقا صورت گرفته است؛ حاکمی که جدیداً صاحب قدرت شده است (مثل ماکیاس Macias در گینه استوایی، ایدی امین دراوگاندا، و موبوتو در زئیر) بر علیه همه یا تک تک گروه های مظنون به مخالفت که برخی از آنها از لحاظ سیاسی و دیگران از لحاظ قبیله ای قدرتی دارند سرکوب افراطی و مرگباری را اعمال می نماید. اینگونه جریانات غالباً به نحو خاصی غیرقابل پیش بینی و مرگبار هستند زیرا اغلب کشتارها به دست ارتشیان، میلیشیا و «دوایر بازجوئی و تحقیق» که عملاً آزادانه علیه مجموعه دانما متغیری از قربانیان به اقدام می پردازند، صورت می گیرد.

پلی تسید سرکوبگرانه / استیلاجویانه (Repressive / Hejemonial Politicide) این مورد مشابه کشتار سیاسی سرکوبگرانه است جز آنکه مخالفت سیاسی که محرک اینگونه قتل عامهای توده ای است غالباً با هویت محلی گروهی قربانی ملازم می گردد. مطالعات ما در خصوص شواهد ۹ ماجرابی که در این دسته قرار گرفته اند حاکی از آن است که حکومت ها عمدتاً در واکنش نسبت به مقاومت گروه ها، به وسایل افراطی علیه قربانیان متوسل می گردند و به مجرد خاتمه یافتن مقاومت، اینگونه جریانات نیز پایان می گیرد. این امر دال بر آن است که خصلت سیاسی و نه محلی گروه های هدف است که می تواند قربانی شدن آنها را توضیح دهد.

کشتار جمعی انقلابی (Revolutionary Mass Marder) با ده نمونه در مجموعه اطلاعات ما (پس از پلی تسید سرکوبگرانه) رایج ترین نوع کشتار سیاسی را تشکیل می دهد. در تمامی این موارد رژیمهای جدیدی که سرکار آمده اند متعهدند که در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی اساسی ایجاد نمایند.



■ کشتار سیاسی در السالوادور

دشمنان این رژیمها غالباً براساس معیارهای ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی تعیین می‌شود: قربانیان آنها در ابتدا کارگران رسمی و برجسته ترین حامیان رژیم سابق و زمینداران و دهقانان ثروتمند می‌باشند. ممکن است بعدها کادرهای فاقد حمایت انقلابی نیز در شمار قربانیان قرار گیرند همانطور که در کامبوج و در چین در خلال انقلاب فرهنگی چنین شد. در لائوس و اتیوپی قربانیان مرکب از دهقانان عادی ساکن آن دسته از نواحی بودند که بطور فعال یا غیرفعال در قبال سیاست‌های انقلابی مقاومت می‌کردند. اغلب رژیمهای مارکسیستی لنینیستی که از طریق نبردهای مسلحانه طولانی به سرکار آمده‌اند در دوره پس از جنگ، مرتکب یک یا چند مورد کشتار سیاسی شده‌اند. البته وسعت این ماجراها بسیار متفاوت است. رژیم پهلوی در کامبوج شریکترین این رژیمها بوده و رژیم کمونیستی چین در مقام دوم قرار می‌گیرد.

پلی تیسید تلافی جویانه (Retributive Politicide)

نادرتین نوع کشتار سیاسی است و فقط چهار مورد جزو این طبقه قرار می‌گیرد. در این ماجراها در پی قبضه شدن قدرت توسط یک گروه زیر دست یا مخالف، قتل عام‌های غیرایدئولوژیک صورت می‌پذیرد. براین اساس، حکام جدید «هوتو» Hutu در «رواندا» در دهه ۱۹۶۰ مشوق کشتار اربابان «توتسی» Tutsi سابق خود بودند، ناسیونالیست‌های الجزایر به کشتار سربازان مسلمانان دست زدند که در کنار فرانسه جنگیده بودند، و میلتون اوبوته تصفیه حسابهای خونبار با حامیان ایدی امین را دامن زده یا به سکوت برگزار کرد. در کلیه کشورهایی که یک گروه حاکم (اقلیت) تسلط مبتنی برزور خود را از دست می‌دهد می‌توان انتظار وقایع مشابهی را داشت.

با استفاده از جدول (۲) می‌توان کشتارهای جمعی تحت نظارت دولت که در نواحی مختلف جهان صورت گرفته است مقایسه‌ای صورت داد. هیچ ناحیه ای نبوده است که در دوره پس از جنگ جهانی دوم حداقل یک نمونه ژنوسید یا پلی تیسید را در پرورنده خود نداشته باشد. البته تمامی موارد مربوط به اروپا متناسب به اتحاد شوروی می‌باشد. ولی در صورتی که مبداء مطالعه خویش را در سال ۱۹۳۵ قرار دهیم موارد مربوط به اروپا شامل جنگ داخلی اسپانیا، ژنوسید یهودیان، صرب‌ها و جیبسی‌ها به دست کرووات‌ها، قلع و قمع چندین میلیون لهستانی به دست نازیها، و البته کشتار معروف یهودیان توسط نازیها نیز خواهد شد. در مجموعه اطلاعات ما که مربوط به دوره پس از سال ۱۹۴۵ می‌باشد ۹ ماجرا در کشورهای اسلامی، ۱۳ مورد در آفریقای جنوب صحرا، و ۱۳ مورد در آسیای غیراسلامی روی داده است. از لحاظ انواع خاص ماجراها، میان این نواحی برخی تفاوتها به چشم می‌خورد: متداول ترین نوع در کشورهای عرب، پلی تیسیدهای سرکوبگرانه / استیلاجویانه، در آسیا پلی تیسیدهای انقلابی، و در آفریقای جنوب صحرا پلی تیسیدهای سرکوبگرانه بوده است. چهار مورد از پنج مورد پلی تیسید مربوط به امریکای لاتین علیه

تعداد قربانیان

چپ‌گرایان صورت گرفته است. مورد پنجم که در باراگونه رخ داده در واقع مرحله بابائی یک جریان پنج قرنیه بوده است که در طی آن افراد بومی تمامی کشورهای امریکا مجبور به هماهنگ ساختن خود با جامعه غربی یا دچار شدن به نابودی فرهنگی و غالباً فیزیکی شده‌اند.

به ندرت می‌توان اطلاع دقیقی از تعداد تلفات در نسل کشی‌ها و کشتارهای سیاسی به دست آورد، جز در مورد کشتار یهودیان به دست نازیها. به طول مثال تعداد قربانیان در جریان کشتار سیاسی کمونیست‌ها (۱۹۶۵-۶۶) در اندونزی، به ادعای سوکارنو ۸۷۰۰۰ نفر، براساس تحقیق دانشگاه اندونزی یک میلیون نفر و طبق گزارش رئیس آژانس امنیت دولتی برابر با ۵۰۰۰۰۰ نفر بوده است (گزارش عفو بین‌الملل، سال ۱۹۸۳، صفحات ۳۷۸). آمار تلفات اقلیت‌های ملی تبعید شده در اتحاد شوروی نیز غالباً بسیار بیشتر از تعدادی است که از راه مطالعه شرایط و سوابق هرگروه تبعیدی به دست می‌آید. دربرآورد تعداد تلفات انسانی هریک از ماجراهای ثبت شده در تحقیق حاضر اختلافات مشابهی می‌توان یافت.

این عدم قطعیت بدین صورت ظاهر می‌گردد که برای اغلب ماجراها منقول در جدول (۱) یک طیف تخمینی برای تعداد کشته شدگان ذکر شده است. حتی در مواردی که تنها یک عدد ذکر شده است، آنرا باید برآوردی تقریبی به شمار آورد. جدول بندی برآوردهای مشروط در زیر آمده است:

جدول برآوردهای مشروط

۷	ماجرایهای با تلفات کمتر از ۱۰/۰۰۰ نفر
۱۷	ماجرایهای با تلفات بین ۱۰/۰۰۰ و ۹۹۰۰۰ نفر
۱۱	ماجرایهای با تلفات بین ۱۰۰/۰۰۰ و ۹۹۹۰۰۰ نفر
۴	ماجرایهای با تلفات بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ نفر

ماجرایهایی که در باره تلفات آنها اطلاعی در دست نیست

براساس شواهد موجود، تعداد کل کشته شدگان غیرنظامی در این حوادث بین هفت و شانزده میلیون نفر بوده است. این رقم چنان بزرگ است که بدون انجام چند مقایسه درک کامل اهمیت آن ممکن نیست. برای چنین مقایسه‌ای می‌توان به تعداد تلفات در میادین جنگ از سال ۱۹۴۵ به بعد توجه کرد. میان سالهای ۱۹۴۵ و ۱۹۸۰، رقم ۳/۳۵ میلیون کشته در جنگ‌های بین‌المللی و ۳/۱۳ میلیون کشته در جنگهای مستعمراتی و داخلی گزارش شده است. حتی اگر تعداد افرادی را نیز که از سال ۱۹۸۰ به بعد در میادین جنگ تلف شده‌اند به این رقم بیافزاییم به این نتیجه می‌رسیم که ژنوسیدها و پلی تیسیدهایی که از سال ۱۹۴۵ به بعد صورت گرفته به بهای جان همان تعداد انسان‌هایی تمام شده است که در جنگ‌ها سازمان یافته از دست رفته‌اند. به علاوه، اکثریت عظیم قربانیانی که در اینجا بطور فهرست وار ذکر از آنها به میان رفته است افرادی عادی بوده‌اند که تنها جرمشان بیوند داشتن با گروه محلی یا سیاسی نامطلوب بوده است.